فصل اول

نکات ادبی ، زبانی ، معنی و مفهوم :

درس اول : «پیش از اینها» و «حکایت به خدا چه بگویم ؟»

قیصر امین پور : شاعر معاصر و استاد دانشگاه و از شاعران بسیار موفق پس از انقلاب است .

از آثار او می توان به : «در کوچه آفتاب ـ تنفس صبح ـ مثل چشمه مثل رود ـ به قول پرستو ـ آیینه های ناگهان » اشاره کرد و

دریغا که این استاد و شاعر خوش نام زود هنگام چشم از جهان فرو بست و در پاییز سال ۸۶ وفات یافت .

قالب شعر : مثنوی

پیام درس :

این شعر به زبان ساده و صمیم تجربه یک نوجوان را نسبت به جهان هستی و آفریننده آن بیان می کند و در پایان با آفریننده هستی صمیمی تر می شود . شاعر با این شعر به ما نیز کمک می کند تا برای شناختن خداوند از اندیشه و فکر خودمان کمک بگیریم و به مهربانی خداوند واقف شویم و دریابیم که خداوند چقدر دوست داشتنیست و به نوعیعلاقه و ایمان مار ار این شعر نسبت به خداوند تقویت می کند

چشم دل باز کن که آن بینی آنچه نادیدنیست آن بینی

معنی و مفهوم: ازراه دل و بصیرت خداوند را ببین . حقیقت هایی را که با چشم ظاهر نمی توانی ببینی از راه دل درک کن .

آرایه: چشم دل : تشخیص/ تکرارحرف«ن»/ چشم و دل و جان : مراعات النظیر

نکته زبانی: چشم دل ، جان و آن : مفعول هستند

«پیش از اینها»

پیش از اینها فکر می کردم خدا خانه‌ای دارد میان ابرها

معنی و مفهوم: قبل از این‌ها فکر می‌کردم که خداوند خانه‌ای در آسمان و میان ابرها دارد

نکته زبانی: بیت دو جمله دارد / خدا / نهاد / خانه ای / مفعول / میان ابرها : قید

مثل قصر پادشاه قصه‌ها خشتی از الماس خشتی از طلا

واژه‌های مهم: خشت: آجر، آجر خام/ قصر: کاخ

معنی و مفهوم: قصر و کاخی که مانند کاخ پادشاهان داستان‌ها است و از طلا و الماس ساخته شده است

آرایه: تشبیه: خانه خدا به قصر پادشاه. (وجه شبه: خشتی از الماس وطلا) /مراعات نظیر: مراعات النظیر بین «قصر و پادشاه» و «الماس وطلا»/ تکرار مصوت ِ ـِ در مصراع اول

نکته زبانی: قصر : متمم

پایه‌های برجش از عاج و بلور بر سر تختی نشسته با غرور

واژه‌های مهم: عاج: دندان فیل، گراز یا کرگدن که برای ساخت اشیا زینتی استفاده می‌شود /بلور: شیشه

معنی و مفهوم: ستون‌های قصرش از عاج و شیشه است و شاه بر روی تخت شاهی با تکبر و غرور نشسته است

آرایه: از عاج و بلور بودن : کنایه از قیمتی بودن

نکته‌های زبانی: بیت دو جمله دارد / پایه های برجش : نهاد / سر و غرور : متمم

ماه، برق کوچکی از تاج او هر ستاره پولکی از تاج او

واژه‌های مهم: برق: درخشش

معنی و مفهوم: فکر می‌کردم که نورماه انعکاس کوچکی از تاج او است و ستاره‌های آسمان پولک‌های تاج او هستند

آرایه: تشبیه: درمصراع اول ماه به برق کوچکی از تاج او تشبیه شده است که وجه شبه در آن "نور" است. درمصراع دوم نیز ستاره به پولکی از تاج او تشبیه شده است که وجه شبه آن درخشندگی است / مراعات النظیر: بین ماه وستاره وبرق.

نکته‌های زبانی: این بیت دو جمله است که فعل است از پایان هر دو مصراع حذف شده است

رعد و برق شب طنین خنده‌اش سیل و طوفان، نعره‌ی توفنده‌اش

واژه‌های مهم: توفنده: پرخروش، خروشان / طنین: آهنگ، انعکاس صدا

معنی و مفهوم: فکر می‌کردم رعد و برق انعکاس صدای خنده‌ی خداست و سیل و طوفان ناشی از فریاد و خروش بلند اوست

آرایه: تشبیه: درمصراع اول طنین خنده‌اش به رعد و برق شب تشبیه شده است و وجه شبه در آن "صدا" است/ در مصراع دوم نیز «نعره توفنده‌اش به سیل وطوفان تشبیه شده است که وجه شبه آن ترسناک و ویرانگری است

نکته‌های زبانی: این بیت دو جمله است که فعل است از پایان هر دو مصراع حذف شده است

هیچ کس از جای او آگاه نیست　　هیچ کس را در حضورش راه نیست

معنی و مفهوم: کسی از جای او خبری ندارد و کسی اجازه ملاقاتش را نیز ندارد

« آرایه: راه نیست کنایه از پذیرفته نشدن

نکته‌های زبانی: بیت دو جمله است / آگاه : مسند / راه : نهاد / را رد مصراع دوم به معنی برای و حرف اضافه است / نیست در مصراع دوم به معنی وجود ندارد است و فعل غیر اسنادی.

آن خدا بی‌رحم بود و خشمگین　　خانه‌اش در آسمان دور از زمین

معنی و مفهوم: آن خدایی که من در ذهن داشتم خدایی بی‌رحم و خشمگین بود که خانه‌اش از زمین دور بود و در آسمان ها بود .

« آرایه: آسمان و زمین : مراعات النظیر

نکته‌های زبانی: بیت ۳ جمله است و «بود» بعد از خشمگین و «است» در پایان مصراع دوم حذف شده است

بود، اما در میان ما نبود　　مهربان و ساده و زیبا نبود

معنی و مفهوم: : او وجود داشت اما در بین مردم نبود او مهربان و زیبا و دوست داشتنی نبود

نکته‌های زبانی: بیت ۳ جمله دارد / بود و نبود در مصراع اول به معنی وجود داشتن است و فعل غیر اسنادی / فعل اسنادی / نبود در مصراع دوم فعل اسنادی / مهربان و ساده و زیبا : مسند

در دل او، دوستی جایی نداشت　　مهربانی هیچ معنایی نداشت

معنی و مفهوم: در قلب او دوست داشتن و عشق و ترحم و مهربانی کردن معنا و مفهومی نداشت

نکته‌های زبانی: بیت دو جمله است / جایی و هیچ معنایی : مفعول

مولیان - فروغ دانش پویا

هرچه می‌پرسیدم از خود از خدا از زمین از آسمان از ابرها

معنی و مفهوم: هرچه از دیگران درباره خدا و خودم و زمین و آسمان و ابرها سوال می‌کردم

آرایه: تکرار حرف «ز» واج آرایی / زمینو آسمان مراعات النظیر /

این بیت موقوف المعانی است یعنی معنی اش با بیت بعدی کامل می شود .

نکته‌های زبانی: می پرسیدم جمله چهار جزئی با مفعول و متمم / هرچه : مفعول / خود ، خدا ، زمین ، آسمان و ابرها : متمم / بیت از یک جمله تشکیل شده

«زود می‌گفتند: «این کار خداست پرس و جو از کار او کاری خطاست

معنی و مفهوم: همه می‌گفتند که این کار خداست و سوال کردن در مورد او اشتباه و خطاست

«آرایه: کار سه بار تکرار شده است / تکرار حروف «ک – ر» واج آرایی

نکته‌های زبانی: بیت ۳ جمله دارد / عبارت بعد از «می گفتند »مفعول است : چه چیزی را می گفتند : این کار خداست /این : نهاد / کار خدا : مسند

نیت من در نماز و در دعا ترس بود و وحشت از خشم خدا

واژه‌های مهم: نیت: قصد، آهنگ، عزم

معنی و مفهوم: و من به قصد و دلیل ترس و وحشت از خشم خدا نماز و دعا می‌خواندم

«آرایه: نماز و دعا: مراعات النظیر/ ترس و وحشت و خشم : مراعات النظیر

نکته‌های زبانی: بیت ۲ جمله است که فعل« بود »بعد از «خشم خدا» حذف شده است / نیت من : نهاد / ترس : مسند / محشت : مسند

پیش از این‌ها، خاطرم دلگیر بود از خدا در ذهنم این تصویر بود

واژه‌های مهم: خاطر: اندیشه، فکر، دل، ذهن، ضمیر

معنی و مفهوم: این تصویر قبلی باعث شده بود من از خدا ناراحت و دلگیر باشم و تصور کنم خدا همیشه به همین شکل است

نکته‌های زبانی: بیت دو جمله دارد / در مصرع اول بود اسنادی است و در مصراع دوم بود به معنی وجود داشتن و غیر اسنادی است بنابراین تصویر» نهاد است .

تا که یک شب، دست در دست پدر راه افتادم به قصد یک سفر

معنی و مفهوم: تا اینکه یک شب به همراه پدرم به قصد یک سفر حرکت کردم .

نکته‌های زبانی: بیت یک جمله دادر / نهاد : من (حذف شده) / «یک شب» و «دست در دست پدر » : قید

در میان راه، در یک روستا خانه‌ای دیدیم، خوب و آشنا

معنی و مفهوم: تا اینکه در میانه‌ی راه و در روستایی خانه‌ای خوب و آشنایی را دیدیم

نکته‌های زبانی: بیت یک جمله دارد / خانه ای : مفعول / خانه ای خوب و آشنا : دو ترکیب وصفی

«زود پرسیدم: «پدر، اینجا کجاست؟ گفت: «اینجا خانه‌ی خوب خداست

معنی و مفهوم: زود از پدرم پرسیدم این جا کجاست؟ پدرم در جواب گفت: اینجا خانه ی خوب خداست

« آرایه: تکرار: تکرار شدن کلمه "اینجا" که مایه زیباتر شدن شعر شده است

نکته‌های زبانی: بیت دارای پنج جمله است / پدر: منادا / اینجا : نهاد / کجا : مسند / اینجا : نهاد /خانه خوب خدا : گروه مسندی (خوب صفت _ خدا : مضاف الیه)

گفت: «اینجا می‌شود یک لحظه ماند گوشه‌ای خلوت، نمازی ساده خواند

معنی و مفهوم: پدرم گفت: در این محل می‌توان لحظه‌ای تنها ماند و در گوشه‌ای خلوت تز روی صداقت نماز و دعایی خواند

نکته‌های زبانی: بیت چهار جمله است / اینجا و یک لحظه : قید / گوشه ای خلوت : ترکیب وصفی / نمازی ساده : ترکیب وصفی و در نقش مفعول

با وضویی دست و رویی تازه کرد با دل خود گفت و گویی تازه کرد

واژه‌های مهم: تازه کردن: از نو کردن، احیا کردن

معنی و مفهوم: اینجا می‌توان وضو گرفتن دست و روی خودرا شاداب و سرحال کرد و از راه دل با خدا حرف زد

نکته‌های زبانی: بیت ۲ جمله دارد .

گفتمش: «پس آن خدای خشمگین خانه‌اش اینجاست؟ اینجا در زمین

معنی و مفهوم: به پدرم گفتم: پس خانه‌ی آن خدای خشمگین و عصبانی، اینجا بر روی زمین است؟

نکته‌های زبانی: ـَـش در گفتَمَش : متمم (به او گفتم)

گفت: «آری خانه‌ی او بی ریاست فرش‌هایش از گلیم و بوریاست

واژه‌های مهم: بوریا: حصیری که از نی بافته می‌شود/ گلیم: نوعی فرش که از موی بز و گوسفند می‌بافند/ بی ریا: راست و با صداقت، بدون تظاهر و خودنمائی

معنی و مفهوم: پدرم گفت: آری خانه‌ی خدا ساده وبدون تجمل است و فرش‌هایش از حصیر و گلیم است

« آرایه: فرش و گلیم و بوریا : مراعات النظیر

نکته‌های زبانی: بیت ۴ جمله است / آری در اینجا یک جمله است

.

مهربان و ساده و بی کینه است مثل نوری در دل آیینه است

واژه‌های مهم: کینه: دشمنی و عداوت و بدخواهی

معنی و مفهوم: او خدایی مهربان و بی کینه است و از دشمنی و انتقام دوراست او مثل نور آینه در دل انسان های خوب جای دارد

آرایه : (خداوند)مثل نور : تشبیه / دل آیینه : تشخیص / آیینه نماد : دل انسان های خوب

نکته‌های زبانی: بیت دو جمله دارد / مهربان و ساده و بی کینه : گروه مسندی / نوری : متمم

عادت او نیست خشم و دشمنی نام او نور و نشانش روشنی

معنی و مفهوم: خشم و دشمنی از ویژگی‌های خدا نیست خدا نورو روشنایی است که وجود انسان را پاک می کند .

آرایه: تکرار «ش»واج آرایی / نام اونور : تلمیح دادر به آیه « الله نور السماوات و الارض »خداوند نور آسمانها و زمین است /

نکته‌های زبانی: مصراع اول یک جمله است / مصراع دوم دو جمله است: ۱_نام او نور است ۲_ نشانش روشنی است .

تازه فهمیدم: خدایم این خداست این خدای مهربان و آشناست

معنی و مفهوم: تازه فهمیدم انی خای من است خدایی مهربان و آشنا

نکته‌های زبانی: بیت ۳ جمله است .

دوستی از من به من نزدیک تر از رگ گردن به من نزدیک تر

معنی و مفهوم: این خدا تنها دوستی است که به من نزدیک است و حتی ازرگ گردن هم به من نزدیک تر است

آرایه: این بیت تلمیح دارد به آیه « ۱۶ سوره ق»« و نحن اقرب الیه من حبل الورید »

نکته‌های زبانی: بیت ۳ جمله است و در پایان هر ۳ جمله فعل «است» حذف شده دوستی (است که) از من به من نزیدیکتر (است) از رگ گردن به من نزدیک تر (است)

می‌توانم بعد از این، با این خدا دوست باشم، دوست، پاک و بی ریا

معنی و مفهوم: من می توانم با این خدای پاک و دور از دورویی دوست باشم

«آن ِ منی، کجاروی؟»

تشریف بیارید پایین، ادامه داره :)

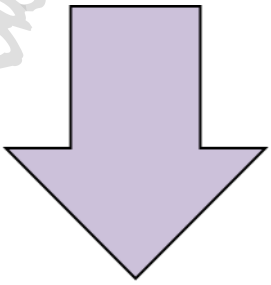

«حکایت به خدا چه بگویم ؟»

روزی غلامی گوسفندان اربابش را به صحرا برد. گوسفندان در دشت، سرگرم چرا بودند که مسافری از راه رسید و با دیدن انبوه گوسفندان، به سراغ آن غلام (چوپان) رفت و گفت: «از این همه گوسفندانت، یکی را به من بده.»

چوپان گفت: «نه، نمی توانم این کار را بکنم؛ هرگز!»

مسافر گفت: «یکی را به من بفروش»

چوپان گفت: «گوسفندان از آن من نیست.»

مرد گفت: «خداوندش را بگوی که گرگ ببرد.»

غلام گفت: «به خدای چه بگویم ؟!»

آرایه ادبی: گوسفند ، صحرا و چرا : مراعات النظیر / در این حکایت منظور از «خداوند» صاحب گوسفندان است و نباید با خداوند آفریننده اشتباه گرفته شود

نکته زبانی: َش در «اربابش» : مضاف الیه/ سرگرم چرا : مسند/ مسافری : نهاد/ َت در «گوسفندانت »مضاف الیه /یکی : مفعول/ «را» در (خداوندش را بگوی) به معنی «به» حرف اضافه است و خداوند متمم است /َش در «خداوندش» : مضاف الیه

معنی حکایت :

یک روز چوپانی گوسفندان صاحبش را برای چریدن به دشت و بیابان برد. گوسفندان در دشت مشغول چریدن بودند که مسافری از راه رسید و با دیدن گوسفندان زیاد و فراوان به نزد آن چوپان رفت و به او گفت : «از این همه گوسفندی که داری یکی را به من بده »

مرد چوپان به مسافر گفت :«من نمیتوانم یکی از گوسفندان را به تو بدهم »

مسافر گفت:« یکی از گوسفندان را به من بفروش »

چوپان گفت :«گوسفندان مال من نیست »

مرد مسافر گفت :«به صاحب این گوسفندان بگو که گرگ گوسفندان را خورد »

چوپان گفت :« به خداوند بزرگ که آفریننده ماست ، نمی توانم دروغ بگویم . »

لغات مهم :

۱. خشت : آجر ، آجر خام
۲. برج : ساختمان بلند و قصر
۳. عاج : دو دندان پیش وبالایی فیل ها که خیلی گران بهاست
٤. طنین : آهنگ ، انعکاس صدا
٥. نعره : فریاد
٦. توفنده : پر خروش ، خروشان ،غوغا کننده
۷. نیت : قصد ،آهنگ و عزم
۸. دلگیر : ناراحت و غمگین
۹. خلوت : دور از دیگران
۱۰. ریا : دورویی ،نفاق
۱۱. بوریا : حصیری که از نی می سازند
۱۲. گلیم : نوعی فرش
۱۳. کینه : دشمنی
۱٤. غلام : نوکر ، خدمت کار
۱٥. ارباب : رئیس ، صاحب
۱٦. صحرا : بیابان
۱۷. چَرا : چریدن و علف خوردن حیوانات
۱۸. انبود : بسیار فراوان
۱۹. سراغ : در اینجا به معنی نزد
۲۰. هرگز : ابدا
۲۱. خداوند : صاحب

فروغ دانش پویا